

### مدفن خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

مدفن خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی حافظیه نامیده میشود وی در سال ۷۹۱ هجری قمری  
و ناهیات و در محلی که سابقاً "صلی نامیده میشود و هم اکنون حافظیه نامیده میشود مدفون گردید .  
خواجه در سال ۸۲۶ هجری چشم بجهان گشود در جوانی پس از کسب کمالات تحقیقات کافی در علوم  
و ادب با عرب نمود و تمام آیات قرآنی را حفظ نموده بود و از ابرو حافض تخلص شعری نمود حافظ در زمان  
شاه ابوسعید اینجو پیشترش مبارز الدین محمد موسی سلمه مظفریان فارس و شاه شجاع فرزند امیرمسارز  
الدین و شاه مشهور زندگی نمود و در اشعار خود به نیکی از آنها یاد کرده است .  
شهرت حافظ در زمان زندگیش علاوه بر ایران به هندوستان و عراق نیز رسید . سلطان احمد جلا پسر  
پادشاه بغداد او را به عراق دعوت نمودند محمد شاه دکن و سلطان شهاب الدین بنگالی نیز از او برای عزیمت  
به هند دعوت نمودند اما خواجه بجهت علاقه ای که بوطن و زادگاه خود داشت این دعوتها را نپذیرفت و تا  
پایان عمر در شیراز باقی ماند اولین بنیانی که بر سر ترس حافظ بنا شد در سال ۸۶۵ هجری قمری بوسیله  
میرزا ابوالقاسم گورکانی حکمران فارس بود . شمس الدین محمد بنیانی وزیر میرزا ابوالقاسم گورکانی بر سر  
قبر حافظ عمارت و گنبدی بنا نهاد و جلوان نیز جوش آبی احداث نمود . در زمان سلطنت شاه عباس کبیر  
شدن عمران و آبادی در فارس بنای دو رده تعمیر و مرمت فرار گرفت به ملت خرابی بنا کریم خان زند ضیق  
عمران آبادی در فارس در سال ۱۱۸۹ ساختن زیبایی بساط بناهای آن دوره بر مدفن خواجه ساخت .  
علاوه بر مدفن خواجه در جلوان تالاری که دارای چهار ستون سنگی یکپارچه بلند بود برای آرامگاه خواجه  
بنا نمود و تنهایی سنگی یکپارچه با نقش شاخ و برگ گنگ رنگی هم اکنون در وسط ایوان بزرگ قرار دارد که در  
همان محل اصلی خمد حفظ شده است علاوه بر آن سنگ مرمر نفیس برای قبر خواجه تهیه نمود که فزل معروف  
خواجه با این مطلع با خط نستعلیق بر آن نقر شده است .

شایر قدسم و از هر دو جهان پر خیزم

مزد و فصل تو کو کز سر جان برخیزم

پس از کرم جهان زند در سال ۱۲۹۵ مرحوم مستبد الدوله فرهاد میرزا والی فارس نوده آهنی برد و روبرو خواجه  
کشید و تعمیراتی نیز بر آن انجام داد . در سال ۱۳۱۷ قمری ملا شاه جهان زردشتی در صد احداث  
ساختمان جالبی بر مدفن خواجه برپا آورد ولی یکی از سادات شیراز بجهت آنکه یک زردشتی نخواهد تیر

حافظ را پس از بدامده ای بنا را خراب می کند در نتیجه این عمل و فروریختن چوب شکستگی در سنگ تیر  
خواجه بوجود می آید بعد از این خرابی شهره صورت نیمه ایرانی باقی بود تا در سال ۱۳۱۶ قمری منصور  
میرزا فرمانفرمای فارس بر حسب دست و پند فرزند پادشاه تخریباتی در بنای حافظیه انجام دهد سپس در —  
سال ۱۳۱۱ شمسی مرحوم فرج الله بهرامی تعمیرات طفلی در باغ آرامگاه و دیوارهای اطراف آن بعمل  
آورد .

برای بزرگداشت مقام خواجه در سال ۱۳۱۶ شمسی با مراد حشر شفقیدر شاه کبیر بنای قدیمی دوره  
زندیه با حفظ ۲ ستون بهمت سر لشکر باغی راهروقت فرهنگ فارس و پاکک انجمن آثار ملی تجدید بنا  
گردید و شکل کنونی درآمد . علاوه بر آن در سمت جنوب آن باغ و نارنجستان زیبائی با دو حوض مستطیل  
بنا گردید . نقشه بنا را آندره گدارفرانسوی مدبرکل باستانشناسی طرح و با توجه باینکه چهارستون دوره  
زندیه در جای خود باقی ماند ۱۶ ستون در اطراف آن اضافه و ایوان فعلی بنا گردید جمع کل بنای حافظیه<sup>نظیه</sup>

در حدود ۲۲۰۰ متر مربع است و وسیله ایوان ۲۰ ستونی بدو قسمت تقسیم میشود . تیر حافظ در وسط  
محوطه شدالی و بکتر از اطراف بلند تر است و وسیله پنج دیوار سنگی مدور احاطه شده است  
باغ مدخل آرامگاه در قسمت های شرقی و غربی آن نارنجستان چمن آنها گیاهان نیروی احداث گردیده است  
شرقین بنایانچه در وسط هر بنایچه حوض مستطیل شکلی که از سنگهای یکپارچه درست شده است بنا  
گردید . در موقع احداث گیاهان زنده حوض شدالی مقبره کریمخان خراب گردید بهین جهت سنگهای حوض  
مذکور را به حافظیه منتقل و دو حوض را در جلو حافظیه با همان سنگهای قدیمی بنا نمودند . عده ای از —  
مشترقین و سیاحان اروپائی در ادوار مختلف از مدفن خواجه دیدن نموده اند و قسمتی از مشاهدات آنان را برای  
اطلاع نقل مینماییم .

اولین فلاندر که در سال ۱۸۲۰ میلادی با ابراهیم صافرت نمود در صفحه ۲۷۲ سفرنامه خود چنین مقبره خواجه  
را توصیف می کند . مقبره رقیب سعدی یعنی حافظ هم در باغ بزرگ است که از بناهای متعدد و سر و کج  
و نارنج تزئین شده بر روی تیر حافظ هم سنگی یکپارچه مرمر سفید است که اشعاری در آن منقوش شده  
محلکة تیر حافظ در آن است هیچگاه با جایگاه سعدی قابل مقایسه نیست و برخلاف اولد فریب و قشنگ

است. این باغ را حانثبه می نامند میگویند محلی است که اینها عزیزگوارا را از همه جا بهشت بردست میداشته  
 و بهشت را و قاع و آن بسمر میرده بمن گفتند بادست های نازنیش خود پر رخت - روی در آن کاشت از اتفاق تهر  
 نیز بیز آن در رخت قرار گرفت. حافظیه محل گشت و تفریح شیراز بهاستد سه رسته بد انجامی آیند بعضی  
 فرزلیاتشان را میخوانند و برخی در زیر درختان لیولم داده صبح تا شامی را بکشیدن قلمان و گفتگو بسمر میرند  
 سمدی و حافظ از شعرای بزرگ و عالیقدرین برانند که نه تنها شیراز بها و ایران بهای بلکه آسیا بهیها همگی بوجود شان  
 افتخاری کنند که هم میخوانند جهت این دو شاعر بزرگ منیره بر آن گرفتند و تقیبا خواستند سخن حق برایشان بسازد و بیرونی -  
 تهرشان بر آستگ مرعاند از دهلکه بناهای دیگری در حول و حوالی تهرشان بنا کردند تا دیگران مردگان خود را در  
 آنها مدفون سازند .

حاج میرزا ابوالحسن نسائی در صفحه ۱۵۸ فارسی ناصری مخالفی بشرح زیر در مورد مقبره خواجه نوشته  
 است ( که اشعار یاد ارزش در مشرق و مغرب عالم شهرت و ذکر اسامی فخر در انجمن مذکور بودانش مشهور است )  
 است در حدود سال ۱۱۸۰ راند حضرت شاه زمان که میخوانند عارشی طوگانه در - و ابرو خواجه سا خسته  
 سف ایوان بر چهارستون سنگ یکپارچه با ارتفاع پنج ذرع گذاشته و از دواجا نب ایوان هشت حجره وسیع  
 از آجر کوچک ساخته صحن بزرگ سه دیوار حصار و ناقصی آجری برای آن عمارت گرفته و بر تیر و تیر خواجه سنگ  
 مرمری و ذرع چهارگی درازا و سه چهار یک پهنا انداخته است و این تیر در میان صحن عمارت افتاد بود در اطراف  
 تهر ناما\* و بنا بیخ و بزرگ است و فرموده حضرت حاجی مفتاح الدوله شاهزاده فرهاد میرزا در سال ۱۲۹۵  
 معبری از آن بر تهر خواجه گذاشته اند )

مادامد بیولا فواکه در معیت شوهرش مارسل دیولا فواد در سال ۱۸۸۱ میلادی از راه ترکیه و قفقاز به ایران آمد  
 در سنه ۱۲۰ سفرنامه خود در مورد مقبره خواجه چنین می نویسد  
 \* در ضمن بزرگ مقبره های حافظ و سمدی و دوشا عمر شهر دنیاکه شیراز به برورش آنها افتخار دارد نیز  
 نائل گردیدیم حانثبه در مدخل دره حاصل خمیزی واقع شده است و از قنای جزیری که تمام دشت شیراز را -  
 آبیاری میکند مشروب میشود و سنگ حقیق مانندی که اشعار خوب حافظ در آن حک شده بر روی تهر افتاده -  
 است مقبره در مرکز تهر استی واقع است که سینگان شاعر بزرگ با حیل و رغبت در دوار او مدفون گردیده اند ...  
 او باور اند شدند ان غالب فرزلیهای امیر از حفظی خوانند و البته متوسط هم پیشه برترین اشعار آن آشنائی دارند

و حتی طبقه بی سو ادعوا هم از خوان نعمت این شاعر بزرگوار بی بهره نیستند )

بنای فعلی آرامگاه در سال ۱۳۱۵ شروع و در پایان سال ۱۳۱۷ خاتمه پذیرفتند. ست اطلس حضرت رشاد شاه کبیر سما" انتتاج گردید. سقف آرامگاه خواجه پرووی هشتستون سنگی قرار گرفته و درون سقف نیز با کاشیهای رنگی و معرق کاشیکاری شده است. نمای خارجی آرامگاه شبیه کلاه قلندران است و پوشش روی آن از سربتهبه گردیده که بهریرایام آکنشیده شده و رنگنهایی مانند کاشی پیدا نموده است

هشت بیت از بهافضل خواجه درون سقف آرامگاه بالای ستونها بطور معرق پرووی کاشی نوشته شده و چهلینم خوانده می شود .

خوشاد می که از این چهره برده بر فکتم	حجاب چهره جان میشو د فبارتتم
رو چهره رشوان که مرغ این چشم	چنین نقش نصزای چومن خوش الحانی است
که در سراجه ترکیب تخته بندتتم	چگونه طوف کتم در فضای عالم قدس
چرا بگوی غرابان تان بود وطنتم	مرا که منزل حور است منزل و عاوی
کسوزها است نهانی درون پیرهنتم	طراز پیرهن زر کتم صحن چون شعاع
در بغ و در د که فائل ز کار غیبتتم	عبان نشد که چرا آدم کجارتتم
عجب مدار که همدرد آهوی غمتتم	اگر زخون دلجوی شوق می آید
که با وجود تو گریه نشود زمن که غمتتم	بها و هستی حافظ ز بهر آید در در

در باغ شادالی و جنبی آرامگاه راتالار وسیع و مجلل و بمجلسی بمرض ۷ متر و طول ۵۶ متر از هم جدا می نماید و در طرفین آن دیوان نیز و با حاق تعبیه شده است. تالار مذکور از بیست عدد ستون سنگی تشکیل یافته که چهار ستون وسط و یکپارچه و مشقوش بشاخر برگرنگی و مربوط به زمان کریم خان زند است. شانزده ستون بقیه دو تنگ و مربوط به سا ختمان جدید می باشد در دیوارهای طرفین این تالار کتیبه هایی بر سنگ مرمر ترا گردید . خطوط کتیبه های سنگ مرمر از روی خطوط کتیبه های کافه یسا بق که به خط میم بوده است تهیه گردید و متن آنها چنین خوانده میشود .

روحه خلد برین خلوت درویشان است	ماه محشقی خدمت درویشان است
نصرت فرد و سر که رضوانش بدیهائی رفت	مشتری از چمن نزت درویشان است
دولتی را کتبنا شدم از آسیب زوال	بی تکلف پشتود و بلند درویشان است

بریشانی ایوان فریب سه بیت بقیه فزل چنین خوانده میشود .

ای توانگر فروش این همه نخوت که ترا  
سم زرد رکف همت در پیشان است  
گنج تارین که فرو سرود از تهر هفتوز  
خوانده باشی که هم از همت در پیشان است  
حافظ از آب حیات هادی میخواهی  
شعبش خاک ره غلوت در پیشان است

بریشانی نمای خارجی ایوان ریست باغ جنوب کتیبه هائی از کاشی لا جور دی معرق نصب شده که فزل زیر  
خواجه در طرفین در وسط تاریخ بنای جدید دیده میشود و از گوشه راست چنین خوانده می شود .

گنجداری و گلستان جهان مارا ———  
زین چمن سایه آن سرور و چار ابراهیم  
من وهم صحبتی اهل ریاد ورم بهار  
از کرانان جهان رطل گرا چار ابراهیم  
فصرفرد وس بهاد اش عمل می بخشید  
عاکه زند بهم بگدا در پیمان مارا ———  
بد شهن بر لب جوی و گد رم بهیمن  
کین اشارت جهان گذران مارا ———

سه کتیبه می بود بانجام بنای آرامگاه در وسط پیشانی ایوان چنین خوانده میشود ساختمان آرامگاه خواجه  
شمس الدین محمد حافظ شیرازی بر حسب امر اعلی حضرت همایون شاهنشاه ایران شاه پهلوی بدستور  
جناب حکمت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سنه ۱۳۱۶ هجری شمسی انجام پذیرفت در سمت چپ  
کتیبه بقیه فزل خواجه چنین خوانده می شود .

نقد بازار جهان بشکر و آزار چمنان  
گر شعرا را نطقین سود و زبان چار ابراهیم  
بار ما است چه حاجیک ز بارت الهیم  
دولت و صحبتین بونس جان مارا ———  
از در خورشید ارا به به ششم فرست  
که سر کوی تواز کون و مکان مارا ———  
حافظ از مشرب قسمت گنمی انسانی است  
طبع چون آب و فزلها و روان چار ابراهیم

در سمت دیگر ایوان بر وجه مشرقه حافظ بریشانی ایوان فزل دیگری از خواجه پیروی کاشی با خط ثلث چنین خوانده  
میشود :

چو پشتموی سخن اهل دل مگو که خطا است  
سخن شناس شرای دلبر اخطا اینجا است  
سرچند بنی و نشی فرونی آیه ———  
تبارک الله از این نفته عاکه در سر ما است  
دل ز برده برون شد کجائی ای ملسر ب  
بنال عاکه در این برده کار ما بنوا است

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود

رخ نود رنظم این چنین خوشتر آراست

نخسته ام ز خیالی که می بزم شهبا

خمار همه شیه دارم شرابخانه کجا است

شبی که صومعه آلوده شد بخون دل

گر چه بیاده بشوید حق بدستش است

از آن بد بر من نام عزیزمید ارنسند

که آتش که نمیرد همیشه در دل ما است

چه سا ز بود که بنواخت مطرب عشاق

که رفت عمر و هنوزم دماغ بر زرد است

چنین که غرقه می آلوده امین از مستی

کجاست وقت عبادت چه جای بوزرد و دعاست

ندا ی عشق بود وشم در اندرون دارند

فنا ی سینه حافظ هفتون بر زرد است

بریشانی دیوار در براد بر محوطه متبره نیز کتیبه های دیگری بخط ثلث از نزل های خواجه بر روی گاشی نوشته است  
و نصب شده است و از دیوار شرقی چنین خوانده میشود :

مزرع سبزه نخلت بد بود اسیره تو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

گفتم ای بهشت بخسبید ی خوشبید دغد

گفتی ای هر چه از سا بته نویسد مشو

تکیه بر اختر شکر گرد مکن کاین شهر

تا ج کاور بود و کمر که خمش رو

گروهی پاک و مجرد چو صیحا بقلمک

از فروغ تو بخورشید رسد صد بر تو

آسمان گویند و ترا بر عیشت کاند عشق

خرمن مهبجوی خوشه بر رویه و جو

من اگر نیک گویم تو برو خود را باش

هر کسی آن درود ما اینکار که گشت

همه کس نال المیارت چه هشمار چه ست

همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کشت

سر تسلیمین و خشت در میگرد هسا

مدعی گزینند فیه سخن گوسر و خشت

تا امید بکن از سا بته لاله ازل

توجه دانی که پس برده چه خوبست و چه زشت

بر عمل تکیه مکن خواجه کنا روز ازل

توجه دانی ظلمت بنامت چه نوشت

نه من از خانه تقوی بد را فتام پس

بد در زمین به شظون در ستم به شست

باغ فردوس لاله فلسط علی مکن ز نه بار

توفیق است شعرا بر سایه بید و لبیک است

حالا روز ازل گریه کن آری جامی

یکسرا ز کوی غربا با ببردت همه به شست

سنگ قبر خواجه بدست بزرگمندان زند تپیده گردید و بزل معروف خواجه با این مطلع با خط نستعلیق بر آن نقر شده است:

ای دل‌فلاشا جهان‌باش و شاه باش	بیوسته در حمایت و لطف اله باش
از عارضی هزار ملک جوئی غرورند	کوکوه تا بکوه طایق سپاه باش
امروز زنده ای بویای تو باطلی	فردا بروح با امان گواه باش
آنرا که دوستی علی نیست کافر است	گوزاهد زمانه و گویخ راهباش
تیمار ما پشت سلطان بیرونش	از جان بپوشد بر آن بارگاه باش
حافظ طریق بندگی شاه پیشه کن	وانگاه در طریق جوهر در راهباش
مزد و وصل تو کوکز سر جان بر خیزم	طایر قدیم و از دام جهان بر خیزم
بویای تو که گنبد خیمه خوانی	از سر خواجهگی کون و مکن بر خیزم
یارب از ابر برد این سرا بهارانی	بیشتر از آنکه جوگرد از جهان بر خیزم
بر سر ترشما بری و ما بر منشین	تا ز شوکت دلحد و رفیقان بر خیزم
گرچه بیوم توشی تنگ در آغوشم گهر	تا سحر گزینار تو جوان بر خیزم
خنده بالا شما ای بیشتر بر حرکات	که جو حافظ ز سر جان و جهان بر خیزم

در در و گوشه سنگ قبر در بالا این بیت خوانده می شود

بر سر ترشما چون گدوی همت خواه  
که زارتگه رند از جهان خواهد بود  
و در گوشه پائین این بیت

چراغ اهل معنی خواجه حافظ  
بجو شایسته اش از خاک مصفی

افراد بیک افتخار همجواریش معانف را پیدا نکرد بود بر اموان ایضا لافرتند اند دانستند معروف سوزا محمد نصری مطب به فرصت الدوله شیرازی است که در سال ۱۳۰۰ شمسی و طاعیانته است و دارای آثار ادبی و تالیفات عریادی است و بگرمولانا اهلی شیرازی است که از شمرای قرن نهم هجری است و بگر حجت الاسلام آتای سید علوی زرونی مجتهد و شاعر معروف است که در سال ۱۳۴۳ و طاعیانته است آیتاله کجوری مجتهد

معروف که در زمان ناصرالدین شاه بنا به توصیه وی مقارن زمستان بود از اوقات در ایوان شدایی  
مدن نون گرد بد سمت مغرب حافظیه محوطه شروکی وجود داشت که در سال گذشته تعمیر و گل  
کاری و پوشش آبروندی در آمد و اختتام بعد فن بزرگان و فرهنگستانی دادند که محترم و ادب ایران  
خدمات ارزنده ای نمودند و است ادله الفدلی صورتگر در همین مکان بنامت سپرده شد . در محوطه  
مشرق حافظیه نیز گورستان شروکی ای وجود داشت که دانشکده ادبیات دانشگاه پهلوی  
در آن بنا شده است :

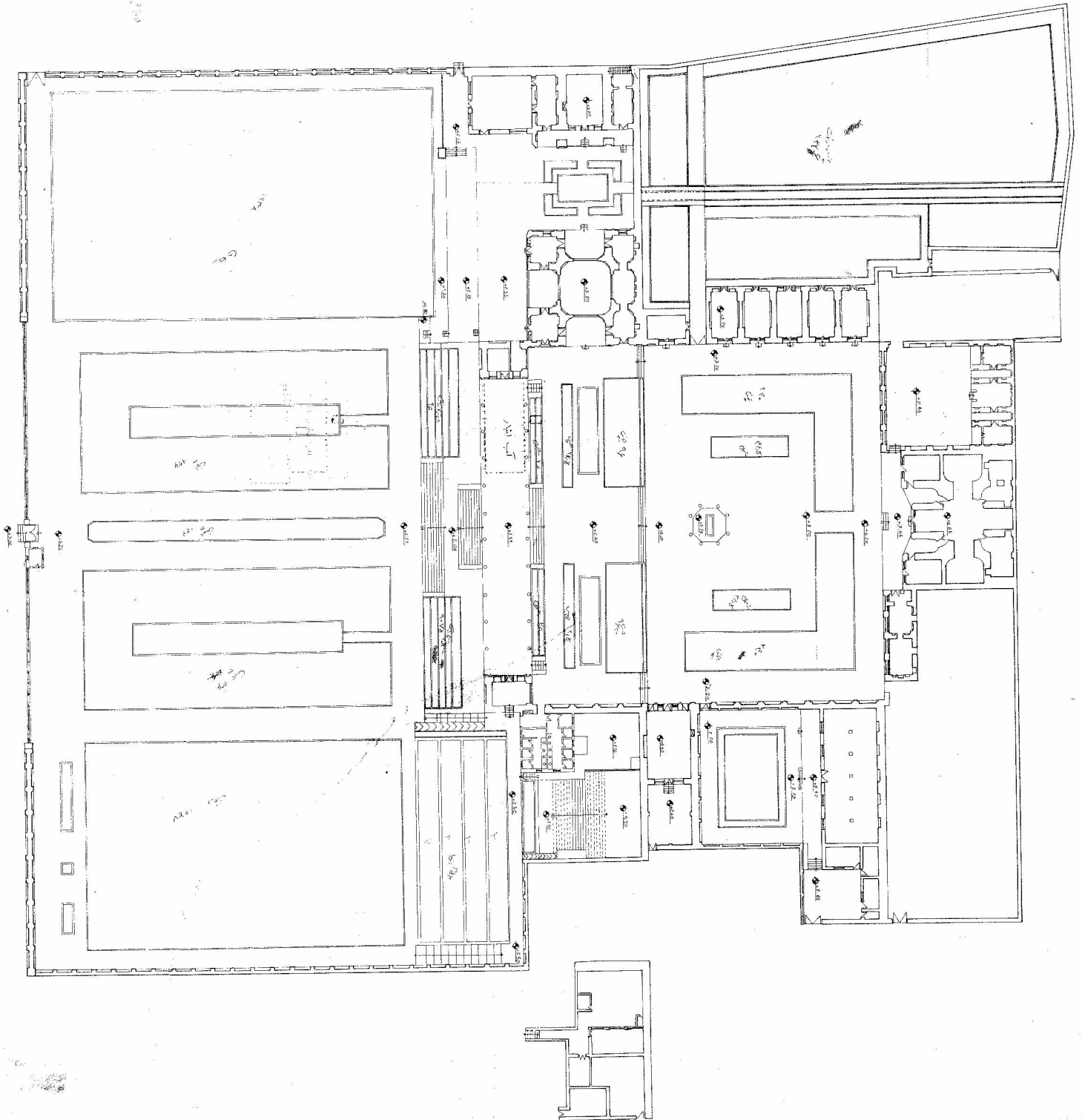
یا قَدَرِ أَحَدٍ أَلَمِ الْمَلِكِ الْأَعْلَى

الْمَلِكِ الْأَعْلَى



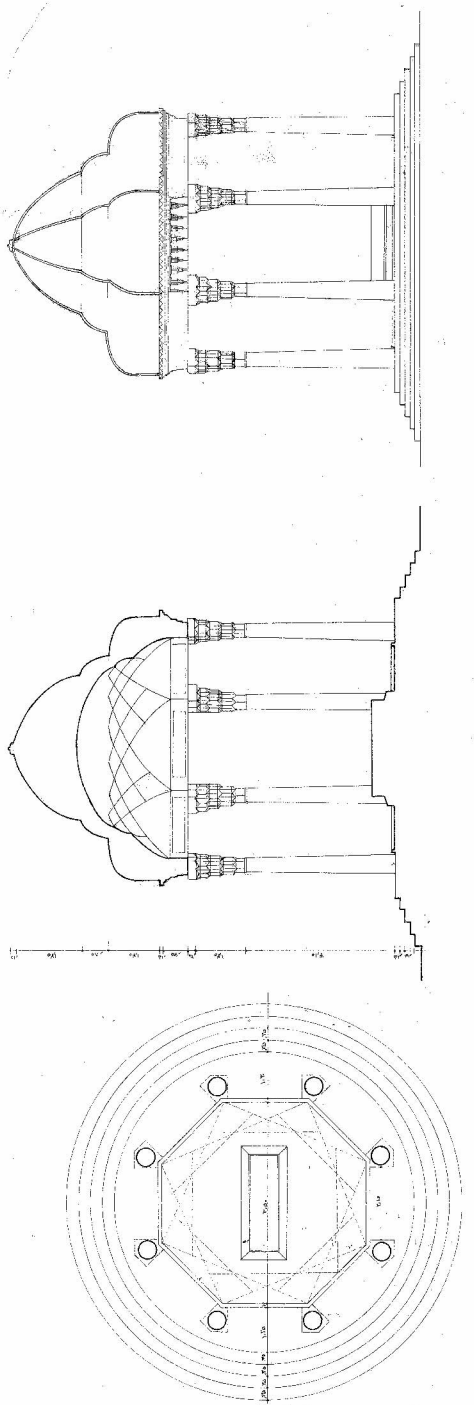


27



Scale  
1" = 10'

B969

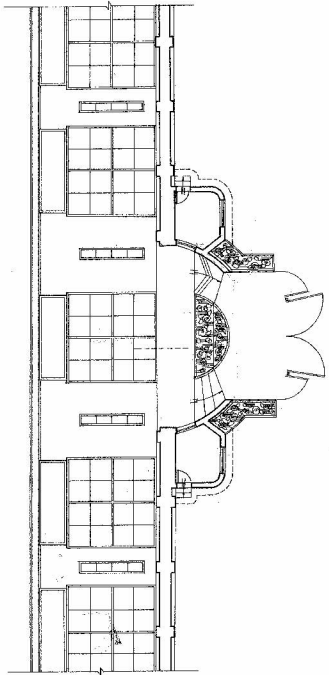


B953

مخطط المبنى

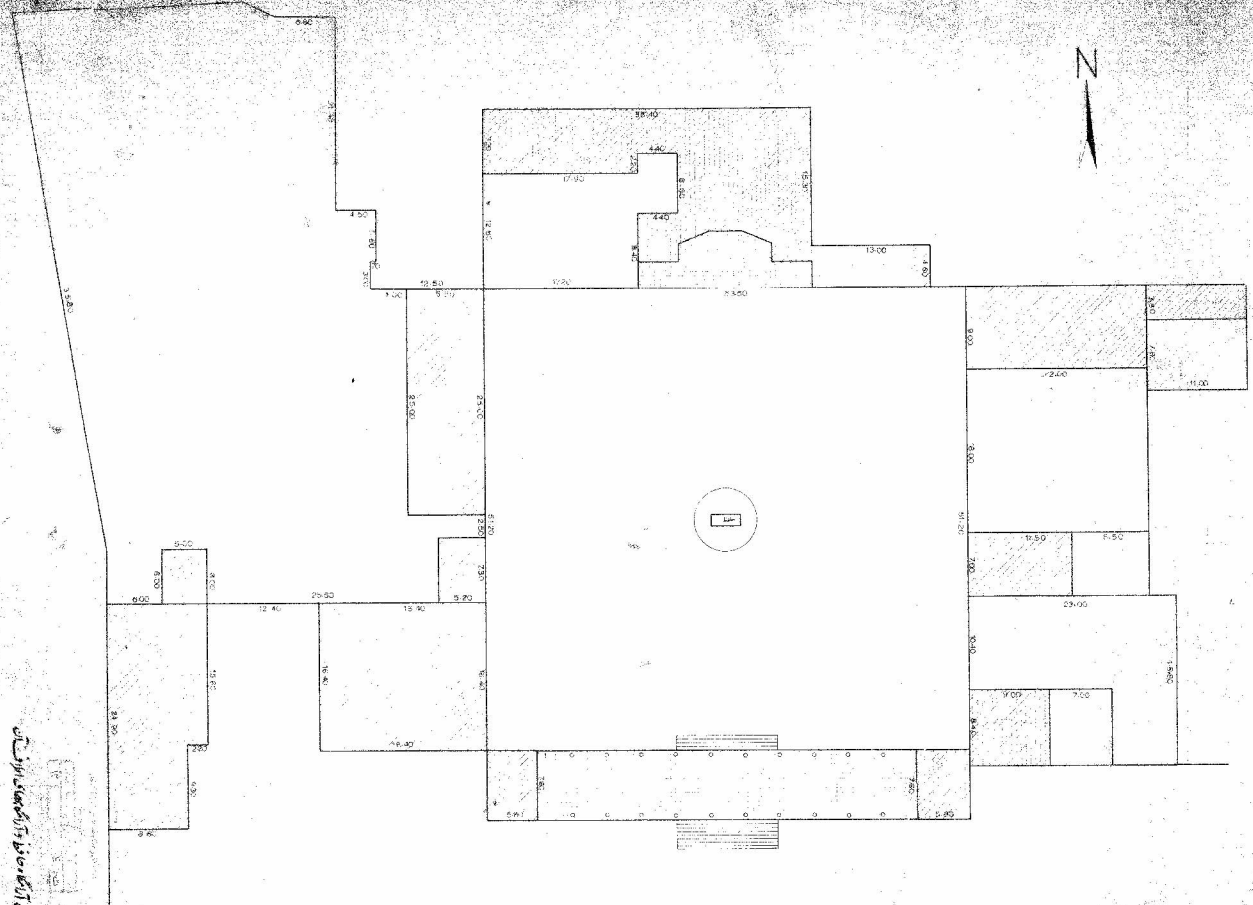
المساحة الكلية	المساحة المغطاة	المساحة الحرة
100	100	100
100	100	100
100	100	100

المساحة الكلية  
المساحة المغطاة  
المساحة الحرة



طابق اول - قاعات الاجتماعات

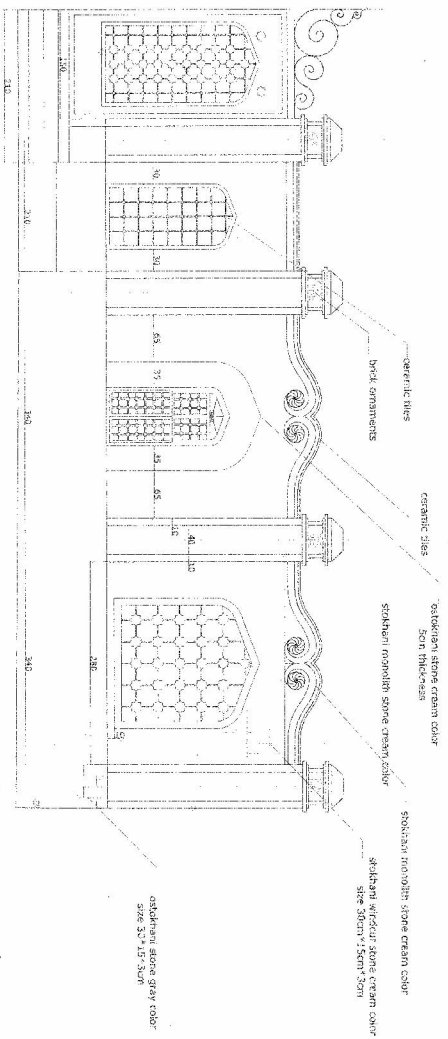
B 1010



نقش  
 شماره ۱۳۸  
 در کارخانه سیمان کاشانی

B974

۲۰۵۱



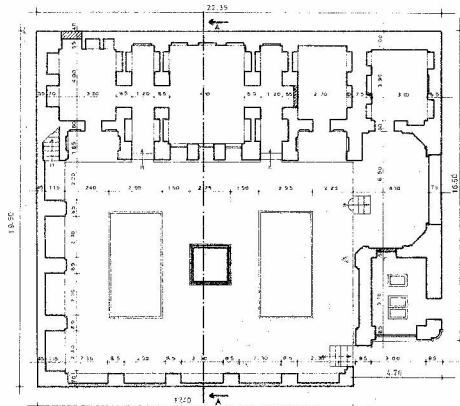
ENTRANCE ELEVATION outside  
scale: 1/25

معماری: طراحان و طراح داخلی و خارجی  
معماری: طراح داخلی

معماری: طراح داخلی  
و معماری: طراح داخلی و معماری

معماری: طراح داخلی  
و معماری: طراح داخلی

معماری: طراح داخلی



1-128

سايمان ملي حفاظت كارباستائي ايوان  
مجلسي

مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي
مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي
مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي
مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي	مجلسي

B 982